

www.ketab.ir

المحجرات

ترجمه

علامه سید عبدالحسین موسوی
امام شرف الدین



سرشناسه: شرف الدین، عبدالحسین، ۱۸۷۳ - ۱۹۵۸ م.
عنوان قراردادی: المراجعات، فارسی.
عنوان و نام پدیدآورنده: رهبری امام علی علیه السلام در قرآن و سنت، ترجمه المراجعات / عبدالحسین موسوی،
وضعیت ویراست: [ویراست ۲]
مشخصات نشر: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری: ۵۷۴ ص
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۲۴۸-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان «رهبری امام علی علیه السلام: ترجمه المراجعات» منتشر شده است.
یادداشت: نمایه
عنوان دیگر: رهبری امام علی علیه السلام: ترجمه المراجعات.
موضوع: علی اب ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - اثبات خلافت،
موضوع: کلام شیعه امامیه
موضوع: اهل سنت - احادیث و روایات - احادیث و روایات
شناسه افزوده: امامی، محمدجعفر، ۱۳۲۲ - ۱۳۸۶، مترجم.
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل
رده بندی کنگره: الف ۱۳۸۶ ۲۲۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۱۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۸۱۴۶۳

www.ketab.ir

عنوان: ترجمه المراجعات، رهبری امام علی در قرآن و سنت
مؤلف: سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی
مترجم: محمدجعفر امامی

مدیریت هنری: گروه هنری شرکت چاپ و نشر بین الملل

نوبت چاپ: بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۲۴۸-۶

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نوین

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شرکت چاپ و نشر بین الملل

المراجعات جلد نهم چاپ جدید



۱۰۱۳۱۳۳۷
ریال ۳.۷۰۰.۰۰۰



دفتر مرکزی: تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲، طبقه ی سوم

تلفن: ۳۳۱۱۸۶۰۲ - ۰۲۱-۳۳۹۲۲۹۵۹ • نمایه: ۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی: میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۸۸۹۰۳۸۴۳ - ۰۲۱-۸۸۹۲۱۹۸۰ • نمایه: ۸۸۹۰۳۸۴۳

www.intlpub.ir • Email: intlpub@intlpub.ir

• همه حقوق محفوظ است.

www.ketab.ir



ای کتاب من!

«نویسنده کتاب، با تمسک به شعری پرمغز، این کتاب را خطاب داده و می‌گوید»

سزاروار است من کتاب خویش را مخاطب ساخته، بگویم:

ای کتاب من، بر روی زمین به سیر خود ادامه بده و به هرکجا می‌خواهی برو! و بگذار خوانندگان، تو را آن چنان که دوست دارند، در هر وقت بخوانند. در تو دروغی نیست که از آن در هراس باشم. و در تو جهل و مسئله‌ای بی‌دلیل یافت نمی‌شود که به آبرویت لطمه وارد کند.



مطالب فهرست

۱۱	مقدمه جدید مترجم
۱۵	مقدمه اول مترجم
۱۹	زندگی نامه مؤلف
۱۹	آغاز زندگی
۲۰	مسافرت به جیل عامل
۲۱	مبارزه با استعمار
۲۳	موقعیت وی در جهان اسلام
۲۴	زندگی علمی او
۲۶	کتاب‌های گرانهای مفقودشده
۲۸	اخلاق او
۲۸	مسافرت‌هایش
۲۹	کارهای عمرانی او
۳۱	مقدمه و اهدا
۳۱	چرا و چگونه این کتاب نگارش یافت؟

www.ketab.ir



مبحث اول: رهبری مذهبی امامت در مذهب

۳۹	نامه اول
۴۱	نامه دوم
۴۲	نامه سوم
۴۴	نامه چهارم
۵۰	نامه پنجم
۵۱	نامه ششم
۵۷	نامه هفتم
۵۸	نامه هشتم
۶۶	نامه نهم
۶۷	نامه دهم
۷۵	نامه یازدهم
۷۷	نامه دوازدهم
۹۵	نامه سیزدهم
۹۷	نامه چهاردهم
۱۰۰	نامه پانزدهم
۱۰۱	نامه شانزدهم
۱۹۷	نامه هفدهم
۲۰۰	نامه هجدهم
۲۰۳	نامه نوزدهم

مبحث دوم: رهبری عمومی خلافت پیامبر

۲۰۷	نامه بیستم
۲۱۱	نامه بیست و یکم
۲۱۲	نامه بیست و دوم
۲۱۵	نامه بیست و سوم



۲۱۶	نامه بیست و چهارم
۲۱۸	نامه بیست و پنجم
۲۱۹	نامه بیست و ششم
۲۲۴	نامه بیست و هفتم
۲۲۵	نامه بیست و هشتم
۲۲۹	نامه بیست و نهم
۲۳۱	نامه سی ام
۲۳۵	نامه سی و یکم
۲۳۶	نامه سی و دوم
۲۴۲	نامه سی و سوم
۲۴۳	نامه سی و چهارم
۲۵۱	نامه سی و پنجم
۲۵۲	نامه سی و ششم
۲۵۸	نامه سی و هفتم
۲۵۹	نامه سی و هشتم
۲۶۱	نامه سی و نهم
۲۶۲	نامه چهلیم
۲۶۶	نامه چهل و یکم
۲۶۷	نامه چهل و دوم
۲۷۱	نامه چهل و سوم
۲۷۲	نامه چهل و چهارم
۲۷۵	نامه چهل و پنجم
۲۷۶	نامه چهل و ششم
۲۷۷	نامه چهل و هفتم
۲۷۸	نامه چهل و هشتم
۲۹۳	نامه چهل و نهم



۲۹۵	نامه پنجاهم
۲۹۷	نامه پنجاه و یکم
۲۹۸	نامه پنجاه و دوم
۲۹۹	نامه پنجاه و سوم
۳۰۰	نامه پنجاه و چهارم
۳۰۶	نامه پنجاه و پنجم
۳۰۷	نامه پنجاه و ششم
۳۱۹	نامه پنجاه و هفتم
۳۲۲	نامه پنجاه و هشتم
۳۲۸	نامه پنجاه و نهم
۳۲۹	نامه شصتم
۳۳۳	نامه شصت و یکم
۳۳۴	نامه شصت و دوم
۳۴۳	نامه شصت و سوم
۳۴۴	نامه شصت و چهارم
۳۴۹	نامه شصت و پنجم
۳۵۰	نامه شصت و ششم
۳۵۳	نامه شصت و هفتم
۳۵۴	نامه شصت و هشتم
۳۵۹	نامه شصت و نهم
۳۶۱	نامه هفتادم
۳۶۹	نامه هفتاد و یکم
۳۷۰	نامه هفتاد و دوم
۳۷۳	نامه هفتاد و سوم
۳۷۴	نامه هفتاد و چهارم
۳۸۱	نامه هفتاد و پنجم



۳۸۳	نامه هفتاد و ششم
۳۹۲	نامه هفتاد و هفتم
۳۹۳	نامه هفتاد و هشتم
۳۹۷	نامه هفتاد و نهم
۳۹۸	نامه هشتادم
۴۰۳	نامه هشتاد و یکم
۴۰۴	نامه هشتاد و دوم
۴۱۱	نامه هشتاد و سوم
۴۱۲	نامه هشتاد و چهارم
۴۱۸	نامه هشتاد و پنجم
۴۱۹	نامه هشتاد و ششم
۴۲۵	نامه هشتاد و هفتم
۴۲۸	نامه هشتاد و هشتم
۴۳۳	نامه هشتاد و نهم
۴۳۴	نامه نودم
۴۴۰	نامه نود و یکم
۴۴۳	نامه نود و دوم
۴۴۷	نامه نود و سوم
۴۴۸	نامه نود و چهارم
۴۵۲	نامه نود و پنجم
۴۵۳	نامه نود و ششم
۴۵۵	نامه نود و هفتم
۴۵۶	نامه نود و هشتم
۴۵۸	نامه نود و نهم
۴۵۹	نامه صدم
۴۶۳	نامه صد و یکم



۴۶۲	نامه صد و دوم
۴۶۸	نامه صد و سوم
۴۶۹	نامه صد و چهارم
۴۷۶	نامه صد و پنجم
۴۷۷	نامه صد و ششم
۴۸۲	نامه صد و هفتم
۴۸۳	نامه صد و هشتم
۴۹۷	نامه صد و نهم
۴۹۸	نامه صد و دهم
۵۱۸	نامه صد و یازدهم
۵۱۹	نامه صد و دوازدهم
۵۲۲	توضیحات

نمایه‌ها

۵۴۱	فهرست آیات
۵۴۴	فهرست اشخاص
۵۶۳	فهرست کتب
۵۶۸	فهرست اماکن
۵۷۰	فهرست قبایل، مذاهب، طایفه و...
۵۷۲	فهرست اشعار

مقدمه جدید مترجم

آنچه در این مقدمه می‌خوانید مطلبی است که به عنوان پیش‌گفتار برای مقاله «از سرچشمه‌های زلال المراجعات»، جهت کنگره شرف‌الدین تهیه کرده‌ام و درست دیدم که در مقدمه رهبری امام علی (علیه السلام)، در این ویرایش جدید، بیاورم.

ترجمه المراجعات (رهبری امام علی (علیه السلام))، از زمان ترجمه تا امروز، حداقل پنج بار چاپ شده است و این بار، لازم دیدم تجدید نظر در اصل ترجمه نمایم و فهرست‌هایی بر آن بیافزایم تا استفاده آن بیشتر گردد. اکنون این ششمین ویرایش گفتار.

سابقاً هم اشاره کرده‌ام، آنچه مرا وادار کرد تا کتاب المراجعات را چندین بار بخوانم، نکات بسیاری است که استخراج و برشمردن آن به وقت بیشتری نیازمند است؛ ولی از آن همه، شش نکته را مورد اشاره قرار می‌دهم که از مهم‌ترین نکات این کتاب ارزشمند است.

این شش نکته در نوشته‌های هر دو طرف نورافشانی و جلوه می‌کند و احیاناً قابل جدا کردن نیستند، اما برای توجه بیشتر افراد، بخش‌هایی از این نوشته، انسان را به مقصود نزدیک‌تر می‌سازد.

بدین لحاظ، نگارنده روی سه نکته از مباحث علامه شیخ سلیم و سه نکته از مباحث علامه شرف‌الدین انگشت‌گذاشته و البته، این بدان معنی نیست که نکات بازگو شده، در بحث دیگری از این دو بزرگوار نیست.

از مباحث شیخ سلیم، ادب و احترام در سؤال، نسبت به شخصیت مقابل، ایجاز در بیان، بدون این که خللی به وضوح سخن وارد کند و انصاف، در آنجایی که استدلال تام و

کامل است، را برگزیده‌ام.

و از مباحث شرف‌الدین، کرامت در جواب، در عین مبارزه برای پاسخ‌دادن؛ دقت در بیان، که انتخاب مطالب، ارتباط و پیوستگی، استحکام آن و رساندن کامل مطلب سخت مورد توجه بوده است؛ و حقیقت در هدف، با غنای بحث، را انتخاب نموده‌ام.

علاوه بر این، نکات جنبی دیگری در مورد این کتاب نیز زیبا و جاذب است که به برخی از آنها پرداخته‌ام.

۱ - شیخ سلیم بشری متولد ۱۲۴۸ و متوفای ۱۳۳۵ بوده است. دو دوره ریاست مشیخه‌الازهر را بر عهده داشته است؛ دوره اول از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۲۰ و دوره دوم از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۵ (سال وفاتش).

۲ - علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین متولد سال ۱۲۹۰ و متوفای سال ۱۳۷۷ است.

جالب این که هر دو، در سن ۸۷ سالگی بلاورد حیات گفته‌اند.

۳ - مناظره و مراجعات این دو بزرگوار، از تاریخ منتهی قعدة سال ۱۳۲۹ شروع شده و در دوم جمادی الاولی سال ۱۳۳۰ (کمتر از شش ماه) پایان یافته است.

در این زمان، شیخ سلیم در سن ۸۱ سالگی، یک عالم پخته، جهان دیده و به مرحله بالایی از کمال رسیده و شرف‌الدین در سنی حدود ۴۰ سالگی قرار داشته که پختگی، پر مطالعه بودن، کرامت و ادب و دیگر سجایای او با این تفاوت سنی، بسیار شگفت‌انگیز است.

۴ - نکته دیگری که دکتر حامد حنفی داود، (که خود از اهل تسنن است) در مقدمه خود بر المراجعات، تذکر داده این است:

«راه و رسم دو نفر که با یکدیگر به مناظره بر می‌خیزند، معمولاً چنین است: اولاً؛ هر کدام از طرفین مناظره تلاش می‌کند بر طرف دیگری غلبه یابد و مجالی برای طرف مقابل نگذارد، خواه به حق باشد یا به باطل و استدلال نادرست، ولی در این مناظره، راه و رسم جدیدی دیده می‌شود که جز تعبد به پیمودن منهج اسلامی، دلیل دیگری نمی‌تواند داشته باشد. طرفین تلاش می‌کنند به حقیقت برسند، به نفع هر کدام

تمام شود و هیچ تلاشی در خدعه و فریب یکدیگر به کار نمی‌گیرند، حتی برای نشان دادن تفوق بر یکدیگر نیز اقدامی نشده، تنها هدف، رسیدن به حقیقت بوده است.

دیگر این که، معمولاً طرفین تلاش می‌کنند که بر طبق یک اسلوب علمی، به بحث بنشینند، تا نزدیک‌ترین راه را برای رسیدن به هدف پیش گیرند. ولی این دو بزرگوار، بین دو اسلوب عملی و ادبی آمیخته‌اند و در نتیجه مباحثه این دو بزرگوار دایرة‌المعارف گسترده‌ای شده که خواننده می‌تواند براساس آن به حقیقت دو مذهب سنی و شیعه دست یابد، کما این که می‌تواند از برترین اسلوب ادبی آغاز قرن چهاردهم نیز الهام گیرد. و بدین جهت است که خواننده این کتاب را باغی وسیع، پر از گل و گیاه و درخت، با شکوفه‌ها و میوه‌های بسیار می‌یابد که می‌تواند هم از میوه‌های علمی و هم از شکوفه‌های ادبی آن بهره‌مند گردد.

و همین امتیازات این کتاب از ارکان مهم مکاتب اسلامی و عربی قرار داده است.^۱
 ۵- نکته مهم دیگر این که: این کتاب در زمینه «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» را فراهم آورد و برای رسیدن به این وحدت، مجموعه‌ای از علمای شیعه و سنی به هم پیوستند و نتیجه آن فتوای رسمی رئیس جامعه‌الازهر، شیخ محمد سلیمان شلتوت شد. که در سال ۱۹۵۹ میلادی، در مجله رساله‌الاسلام منتشر گردید. که عمل به مذهب شیعه امامیه را مانند عمل به مذاهب اربعه مجاز می‌شمارد.^۲

۶- و نکته آخر، مطالعه فاصله زمانی پاسخ‌های علامه شرف‌الدین است که با توجه به سرعت پاسخ‌ها، چگونه این همه نکات و بحث‌های علمی را مهیا ساخته است؟! گویا سال‌ها منتظر چنین روزی بوده که با انجام آن، گامی به سوی وحدت مسلمانان بردارد.
 طوبیٰ له!

اما اعتراف می‌کنم:

اولاً: نکات برجسته این کتاب، به این تعداد منحصر نیست، چنان که اشاره شد.

۱- مقدمه چاپ سال ۱۴۲۳ هـ.ق، تحقیق و تعلیق حسین راضی، طبع مؤسسه دارالکتب الاسلامیه.

۲- مجله رساله‌الاسلام، سال ۱۱، شماره ۳، برگرفته از مقدمه استاد فکری ابونصر، صفحه ۲۲۸.

ثانیاً: این نکات آن‌چنان از هم ممتاز نیستند که، در شواهد اقامه شده، از امتیازات نکات دیگر برکنار باشند. بلکه، در هر کدام از شواهد منتخب، سایر نکات نیز جلوه می‌کند.

ثالثاً: ادعا نمی‌کنم که در همین جداسازی نیز عمل کاملی انجام شده است، بلکه آنچه می‌توانم بگویم این است که چنین تقسیمی روی این کتاب، می‌توان انجام داد. و البته، چنین عملی باید به قلم شخصی آگاه‌تر، دقیق‌تر و باهوش‌تر از اینجانب صورت گیرد.

اما دلیل این که من به چنین کاری دست زدم، علاقه‌ای است که به نویسنده کتاب، به خاطر همین کتاب، پیدا کردم. و صد البته عشقی است که به امیرمؤمنان، علی علیه السلام دارم که در این کتاب با بیانی متین و اسلوبی استوار، از او دفاع شده است.

از مقام رفیع سید پیام و وصی خاتم انبیا، امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب علیه السلام درخواست دارم که همه ما را به شوق شیعه خود بپذیرد و مورد لطف و عنایتش قرار دهد. آمین!

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

محمد جعفر امامی

۱ / اسفند / ۱۳۸۴ مطابق با ۲۱ / محرم الحرام / ۱۴۲۷

مقدمه اول مترجم

۱ - چرا این کتاب را ترجمه کردم؟

از هنگامی که احساس کردم انسان وظیفه دارد از یک جهان بینی صحیح برخوردار باشد و اصول عقاید خویش را با دلیل روشن بداند، در این راه تلاش کردم. نخست سؤالاتی را برای خود مطرح کردم. پس از آن، بی طرفانه برای پیدا کردن پاسخ آنها، به بررسی و تحقیق پرداختم.

برای یافتن پاسخ آنها، به عقل خود مراجعه کردم و از اساتید مربوطه و کتاب‌هایی که در این باره نوشته شده بود، کمک گرفتم.

در عین حال، به شنیدن و مطالعه سخنان مخالف پرداختم. تا آن جا که امکان داشت از سخنان دانشمندان طرفدار آن عقیده، یا از کتاب‌های آنها و دفاعیاتشان، برای روشن شدن حقیقت، استفاده کردم.

* * *

مباحث مربوط به خداشناسی، نیاز انسان به پیامبر و دلیل صحت رسالت حضرت محمد ﷺ پایان گرفت. نوبت آن رسید که بدانم؛ از دو گروه بزرگ مذهبی مسلمانان، کدام بر حق‌اند؟ در این باره نیز کتاب‌هایی را مطالعه کردم. بیشتر کتاب‌هایی که در این زمینه، از طرفین نوشته شده بود؛ حداقل برای من که در صدد پیدا کردن حق بودم؛ این عیب را داشت که، ضمن بحث و استدلال، به توهین و توبیخ مخالف خود می‌پرداختند. برای من که هنوز تصمیم نگرفته بودم؛ چون حق برایم روشن نشده بود، فوراً این مطلب به ذهنم خطور می‌کرد: «شما، اگر نویسنده‌ای بر حق هستی و دارای دلیل، چه

لزومی دارد که توهین کنی؟ دلیل را بگو و حق را آشکار ساز. حق، خود رشد و نمو می‌کند.»

این راه را همچنان پیمودم تا به کتاب پر ارجح المراجعات دست یافتم. الآن به خاطر ندارم در کجا و چه کسی این کتاب را به من معرفی کرد، ولی همین که شروع به مطالعه آن کردم و صفحاتی از آن را خواندم، احساس کردم جذبۀ مخصوصی دارد و مرا مجذوب خود ساخته است.

این جذبۀ از سه زاویه قابل مطالعه است:

۱- المراجعات کتابی است، از نظر فصاحت، بلاغت، تنظیم کلمات و ترتیب جملات، کم‌نظیر، بدان‌گونه که انسان علاقه‌مند می‌شود کتاب را تنها برای الفاظش، نه محتوایش، چندین بار بخواند.

۲- محتوای پرمغز، عمیق و همراه با استدلال‌های قوی و روشن.

۳- آنچه از همه جالب‌تر بود، آنست بیشتر مرا مجذوب خود سازد، رعایت ادب و احترام در بحث بود که در سراسر این کتاب به چشم می‌خورد.^۱ من در میان کتاب‌هایی که در باب مناظرات خوانده‌ام، چنین کتابی، با این همه تجلیل و احترام که طرفین بحث نسبت به یکدیگر دارند، مشاهده نکرده بودم.

* * *

۲- آنچه در این کتاب می‌یابید

بحث‌های این کتاب به صورت پرسش و پاسخ، در طی صدودوازده نامه، آغاز و پایان گرفته است. معمولاً هر سؤال با پاسخ پرسش قبلی در ارتباط است و زنجیروار، از آغاز تا انجام، پیش می‌رود. آغاز بحث از نقطه روشن و لازمی شروع شده و سپس پرسش‌ها و پاسخ‌های بعدی سلسله‌وار در پیوندی صحیح با هم ادامه یافته است.

۱- به همین جهت در کنگرۀ بزرگداشت شرف‌الدین، که امسال (۱۳۸۴ هـ.ش) برگزار گردید، دو مقاله؛ یکی به زبان عربی (فی سبحات المراجعات) و دیگری به فارسی (از سرچشمه‌های زلال المراجعات) تنظیم نمودم و این ادب و احترام را نشان دادم.

ابتدا از یکدیگر، ورود در بحث را اجازه می‌گیرند و از اینجا که: «آیا وحدت امت اسلامی ایجاب نمی‌کند که شیعه به مذهب جمهور (اهل سنت) بپیوندند؟» مناظره را شروع و تعقیب می‌کنند و سرانجام، با روشن شدن صحت و اتقان مذهب شیعه، بحث پایان می‌گیرد. شما هم می‌توانید برای آگاهی و روشن شدن این بحث عقیده‌ای، همین‌گونه، این مطلب را دنبال کنید.

و بالاخره در یک کلمه باید گفت: سؤالات مهمی که در بحث امامت و خلافت پیش می‌آید، در این کتاب، مطرح و پاسخ داده شده است. و این روش بسیار جالبی است برای کسی که در راه تحقیق و بررسی گام می‌نهد و یک انگیزه مهم در ترجمه این کتاب، از زبان عربی به فارسی، نیز همین بوده است.

در همین جا باید بگویم: اگر در ضمن مطالعه کتاب به عباراتی برخوردید که از آن بوی توهین یا تویخ نسبت به اهل بیت می‌آید مربوط به قلم من است، نه نویسندگان اصلی؛ شاید من مفهوم کامل جمله را درک نکرده‌ام و نتوانسته‌ام ریزه‌کاری عبارت را در قالب عبارت فارسی بریزم، وگرنه از ترجمه کتاب به‌خوبی نمایان است که بحث‌کنندگان، کمال احترام را برای یکدیگر رعایت کرده‌اند. البته، گاهی در ضمن بحث و توضیح استدلال، سخن به جایی رسیده که راهی، جز آوردن تعبیراتی خاص برای روشن ساختن مبحث، وجود نداشته است اما آن تعبیرات نیز با رعایت ادب و احترام بیان شده است.

* * *

باید توجه داشت که این کتاب ترجمه‌های دیگری نیز به فارسی دارد. اینجانب دو ترجمه را دیده‌ام، ولی آن دو را، از جهاتی، نارسا یافتم. البته، این تنها علت ترجمه من نشده، بلکه دلیلی که پیش‌تر یادآور شدم نیز سخت مؤثر بوده است.

اضافه بر این دو دلیل، تصمیم داشتم توضیحات لازمی برای بعضی از مطالب آن بیافزایم. اما حوادث زمان، مشکلات و کارهای ضروری‌تر مرا از انجام تمام آنچه در نظر داشتم بازداشت، تنها بیان آن توضیحات در بیست‌وهشت مورد میسر گردید که در آخر کتاب آمده و در متن کتاب، طی بیست‌وهشت شماره همراه با (*)، مشخص شده است.

این را نیز باید بگویم که معنای آنچه در پیش گفتم که: «ترجمه‌های دیگر را نارسا یافتم» این نیست که این ترجمه، کامل است، خیر، چنین ادعایی وجود ندارد، بلکه اعتقاد بر این است که این ترجمه از آن دو کامل‌تر است. لذا در همین جا، باید بیافزایم که از تمام مطالعه‌کنندگان و صاحب‌نظران درخواست می‌شود: هرگونه ایراد و انتقادی در آن یافتند، یادآوری کنند تا در چاپ‌های دیگر اصلاح شود.

* * *

از خداوند بزرگ، امید آن دارم که این خدمت ناچیز به پیشگاه حضرت مولی‌الموحدين امیرالمؤمنین علیه السلام را بپذیرد و آن را ذخیره‌ی روز واپسین قرار دهد. پروردگارا، از تو می‌خواهم؛ عمر مرا در راه خدمت به اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت به کارگیری و توفیق‌اتم را روزانه افزون فرمایی و آن‌گاه که خواستم در غیر خدمت به آیین تو و در راه خواسته‌های سلطان به کارگیرم، آن را از من باز ستانی. خداوندا، از تو مسئلت دارم: تا پایان عمر جهان از خدمتگزاران اسلام قرار دهی.

بار الها، از تو درخواست می‌کنم؛ ظهور ولی امر علیه السلام یک ساری و روح مطهر رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی علیه السلام، را با ارواح اجداد طاهرينش محشور فرمایی و رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، را به سلامت داری و تأیید فرمایی.^۱

معبودا، هر کسی آرزویی دارد، من هم آرزومندم مقام شهادت را از من دریغ نفرمایی.

إِنَّكَ سَمِيعٌ مُّجِيبٌ. آمین یا رَبَّ الْعَالَمِينَ

قم - حوزه علمیه
محمد جعفر امامی

۱ - باید یادآوری کنم که چاپ‌های پیشین آن، در زمان حیات امام راحل علیه السلام، انتشار یافته است و چاپ‌های فعلی پس از رحلت آن بزرگوار...

زندگی نامه مؤلف

شخصیت هر کس از مجموعه صفات و فضایل او تشکیل شده و کسی که شرح حال دیگری را می نویسد، در پی آن است که با نشان دادن اوصاف و کمالات وی، شخصیتش را به خوانندگان بشناساند. بنابراین اگر نوشته های مؤلف بازگوکننده شخصیت او باشند، نوشتن شرح حال و صفات او چیزی بی معنا خواهد بود، جز این که در شرح حال، نکات جالبی آمده باشد که از نوشته ها بیاید.

المراجعات بازگوکننده حالات و صفات آن نویسنده و عالم بزرگ است. این کتاب ما را از اطلاعات وسیع او در بحث های متعدد علوم اسلامی، بلاغت، روانی قلم، بزرگواری و اخلاق در بحث، نکته سنجی، تسلط در مناظره، نگهداری احترام کامل مخاطب و طرف مناظره، تنظیم مباحث و ده ها صفت دیگر آگاه می نماید.

شما هم اگر کتاب های دیگر مؤلف را مطالعه کنید، به گفته بالا بیشتر پی خواهید برد. من اعتراف می کنم؛ آنچه را از شخصیت این عالم بزرگ احساس کرده ام نمی توانم در این صفحات بنگارم؛ چرا که او را اقیانوسی از آگاهی، اخلاق و صفات انسانی یافته ام. کتاب هایش، به خصوص کتاب حاضر، پرتوی بر روح من افکنده اند که بازگو کردن آن ممکن نیست.

آغاز زندگی

نام این عالم بزرگ سید عبدالحسین شرف الدین است، چه نام با مسمایی! هم عبدالحسین بودنش با واقعیت تطبیق می کند؛ چرا که او در طول عمر خود، در حال

مبارزه با مخالفان اسلام و سرزمین‌های اسلامی بود، و هم شرف‌الدین، به‌راستی که برای دین و ایمان شرافتی خاص به همراه داشت.

اسلام از این نمونه افراد کم دارد - گرچه در تعداد کم نیستند، ولی در برابر آنچه باید داشته باشد، کم هستند - آری شخصیت‌هایی اینچنین افتخارآفرین برای جامعه اسلامی کمتر به چشم خورده است.

پدرش شریف یوسف بن شریف جواد ابن شریف اسماعیل و مادرش زهرا دختر سید هادی بن سید محمد علی است که هر دو در سلسله‌نسب به یکی از بزرگان این خاندان به‌نام شرف‌الدین منتهی می‌گردند.

وی در سال ۱۲۹۰ ه.ق، در شهر کاظمین چشم به جهان گشود. در خانواده‌ای متولد شد که وسایل زعامت و رهبری، آگاهی، علم و دانش فراهم بود. او از این موقعیت استفاده کرد و خویش را برای جوان مسلمان و مبلغ و عالم اسلامی لازم است، مجهز ساخت.

در نجف اشرف، از حضور علمای بزرگ و جوانان فقه، اصول و علوم اسلامی همچون مرحوم سید کاظم طباطبایی، آخوند خراسانی، شیخ محمد طه نجف، و شیخ حسن کربلائی بهره کامل برد.

تفاوتی که این دانشمند بزرگ با بسیاری دیگر از طلاب فقه و اصول داشت این بود که تنها به فراگیری علوم اکتفا نمی‌کرد، بلکه از اوضاع اجتماعی، مسائل آن و آنچه در جامعه اسلامی می‌گذشت غفلت نداشت؛ مشکلات جامعه مسلمین را نظاره می‌کرد و به راه‌حل‌های آنها می‌اندیشید - و خود این کتاب شاهد آن است -، چنان که خود مؤلف، در مقدمه، می‌گوید: اختلافات شیعه و سنی، از همان نخستین روزهای جوانی، مرا رنج می‌داد و در فکر راه چاره برای آن بودم.

مسافرت به جبل عامل

بر اثر توجه به مسائل جامعه اسلامی، پس از فراگیری مسائل اجتماعی، به جبل عامل، وطن اصلی خاندانش، مسافرت کرد.

سی و دو سال از عمرش می‌گذشت که به جبل عامل در جنوب لبنان بازگشت، و با استقبال پر شوری از علما، بزرگان و مردم، وارد آنجا شد. هنوز مدتی نگذشته بود که جبل عامل دریافت که رهبر واقعی و راهنمای خویش را یافته است. لذا مردم با نشان دادن علاقه‌مندی خویش، آمادگی همکاری با او را در اصلاحاتش اعلام کردند و شرف‌الدین اصلاحات خود و ستیز با مستکبران را آغاز کرد. او شدت در دین، امر به معروف و نهی از منکر، تواضع در برابر علما، دانشمندان و مستضعفان و مبارزه با نظام حاکم را بنیان گذاشت.

در این راه، خطابه‌ها و سخنرانی‌های گرم و گیرا و پر محتوای او سخت یارش بودند. سخنش، همچون قلمش، همه را مجذوب می‌کرد، و با روشنی بیانش مطالب بسیاری را، همچون خون در رگ‌ها، در مغزهای مسلمانان جاری می‌ساخت.

درب منزلش به روی همه باز بود. هر کس هر نیازی داشت، راه خانه شرف‌الدین را می‌گرفت. منزل او مرکز رفع نیازها و پناهگاه ملت و برطرف‌کننده آلام و مصایب آنها بود؛ همیشه پر از جمعیت بود. عده‌ای وارد می‌شدند و عده‌ای خارج.

اگر در خانه او نظری می‌افکندی، می‌دیدید که کامیابان این جمعیت، ایستاده و با آنان سخن می‌گویند؛ روح شهادت و بزرگواری به آنان می‌دمد، و گاه دیگر، در میان گروه دیگری دست مهر و محبت بر سرشان می‌کشد. آن حرکت اصلاحی و مبارزه، و آن خطابه و سخنرانی و بیان جذاب، و این باز بودن درب منزل و رسیدگی به امور ملت و هم‌رنگی و یگانگی با مردم، او را به صورت رهبری کامل و واقعی برای ملتش در آورده بود.

مبارزه با استعمار

شرف‌الدین تنها با مستکبران محلی و مخالفان اسلام در منطقه مبارزه نکرد، بلکه با استعمار نیز سرسختانه مقابله نمود که از جمله آنها، مبارزه با استعمار فرانسه و مبارزه در راه استقلال را باید نام برد. این مبارزات و دعوت مردم به نبرد در راه استقلال باعث شد که فرانسه در تنگنایی سخت قرار گیرد، و سرانجام، همچون دیگر استعمارگران، طریق

آسایش خود را در کشتن این عالم بزرگ ببیند لذا ابن حلاج را وادار کرد که به خانه او حمله کرده و او را از بین ببرد، ولی این حمله ناگهانی، با این که سید و سیله و یاورانی نداشت، عقیم ماند و به مؤلف ارجمند گزندى وارد نشد. انتشار این خبر ملت را بپا داشت و از آن جناب، سرکوبى عامل استعمار در این کار را درخواست کردند، ولی شرف‌الدین، با بزرگواری خاص خود، مردم را به آرامش دعوت کرد.

مشکلات و حوادثی که پی‌درپی برایش پیش آوردند او را مجبور کرد که با خاندان و عده‌ای از مبارزان به دمشق مهاجرت کند. اما سپاه استعمارگر فرانسه، در راه، کمین کرده بود تا سید را از وصول به دمشق باز دارد. ولی این توفیق را پیدا نکرد و چون نتوانست او را دستگیر کند، خانه او در شخور را به آتش کشید و منزل بزرگش در صور را نیز، پس از غارت آن تصرف کرد. جانسوزترین چیزی که رخ داد این بود که کتابخانه آن عالم بزرگ را سوزاندند و تمدن آن کار نمودند در این آتش‌سوزی، کتاب‌های نفیس و پرازش، از جمله نوزده کتاب شاهانه او! که به صورت خطی در کتابخانه‌اش بود، در آتش سوخت.

در دمشق، بزرگان، علما و روشنفکران گرد آمدند و او را گرفتند و او با سخنرانی‌های خویش، مردم را به راهی که در پیش دارند آشنا نمود.

او و بزرگان قوم در مسائل اجتماعی مسلمانان، در برابر استعمار فرانسه، به گفت‌وگو نشستند و سرانجام، راهی جز برخورد جدی با این دولت استعمارگر ندیدند. سرانجام، این برخوردها دولت فرانسه را واداشت که سران نهضت را تبعید کند و لذا مرحوم شرف‌الدین و دیگر سران نهضت را به فلسطین تبعید کرد.

توقف آنها در فلسطین بیش از چند ماه نبود و نویسنده محترم از فلسطین به مصر رفت. شخصیت علمی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی او موجب شد که بلافاصله بزرگان علمای مصر، سیاستمداران، روشنفکران و بزرگان مصر، از هر ناحیه، به سویس هجوم آورند.

البته، این نخستین بار نبود که این عالم بزرگ به مصر رفته بود. مصر او را از هشت سال پیش می‌شناخت؛ زیرا او، در اواخر سال ۱۳۲۹ ه.ق، در آن مکان قدم گذارده و تا

سال ۱۳۳۰ نیز در آنجا بود و در همان تاریخ، با دانشمندان و بزرگان علمی مصر مجالس علمی و مباحثه برقرار کرده بود. بین او و شیخ سلیم بشری، رئیس جامعه‌الازهر، جلسات متعددی برقرار شد و سرانجام، مباحثه‌های آنها، به صورت کتاب المراجعات، هدیه‌ای برای مسلمانان گردید.

وی در اواخر سال ۱۳۳۸ ه.ق از مصر به آبادی «علم»، در فلسطین، که به جبل عامل نزدیک بود، مهاجرت کرد. اقوام و خاندانش و تمام رفقا و دوستانش به سوی او روی آوردند. در «علم» نیز منزلش، همچون جبل عامل، ملجأ و مأمن افراد بود و مردم از هر سو به او روی می‌آوردند. دولت فرانسه، پس از یک سلسله مذاکرات، موافقت کرد که امام شرف‌الدین و دیگر تبعیدیان به جبل عامل بازگردند و تعهد کرد که هیچ کدام از مبارزان را تعقیب نکند.

مرحوم شرف‌الدین، پس از اطمینان، تصمیم بازگشت به جبل عامل را گرفت ولی در بین راه، در بیروت توقف کرد و آنجا بود که تا همه مبارزان به وطن باز نگردند، او وارد جبل عامل نخواهد شد. پس از آن که تمام مبارزان تبعیدی بازگشتند، او نیز به سوی وطن اصلی حرکت کرد.

توصیف استقبال و شعارهای مردم در آن روز، از عهده بیان و قلم خارج است؛ دریایی از انسان‌ها موج‌زنان، به خارج از جبل عامل در حرکت بود. شاعران اشعاری سروده بودند و آخرین احساسات خود و جمعیت را در قالب اشعار ریخته بودند. بالاخره، سید وارد وطن محبوب خود شد، صبح، عصر و نیم‌روز، خانه، کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف از جمعیت موج می‌زد و سخنرانان و شاعران احساسات مردم را بازگو می‌کردند. اگر تمام آن اشعار و حماسه‌ها جمع‌آوری شود، کتابی بس بزرگ خواهد شد که خود مدرکی تاریخی، فکری و سیاسی برای جبل عامل به شمار خواهد آمد.

موقعیت وی در جهان اسلام

در هر کدام از مناطق مختلف جهان اسلام، نام عده محدودی از افراد معروف است که نبوغ و استعدادشان آنها را از دیگران پیش انداخته، مورد توجه مردم منطقه قرار

گرفته‌اند.

اما کسانی که در سراسر جهان اسلام معروف باشند، تعدادشان اندک است. چنین افرادی بسیار پر استعداد و خدمتگزار هستند که استعداد، علو همت، بزرگ‌منشی، قلم و بیان، علم و آگاهی و موضع‌گیری صحیح، آنها را در جهان اسلام مشهور ساخته است. نویسنده بزرگ این کتاب، از همان افراد نادر است که سراسر جهان اسلام او را می‌شناسند و می‌ستایند. شخصیتی است که تا هم‌امروز نیز که سال‌ها از مرگش گذشته است، برای خود دوست و مرید پیدا می‌کند. مردی است که کتاب‌هایش در هر منزلی وارد شده باشد و هر کس یکی از آنها را خوانده باشد، به او آفرین می‌گوید و در جرگه ارادتمندان او قرار می‌گیرد.

و این بدان جهت است که استعداد و نبوغ خود را در راه دین و خدمت به اسلام و انسان‌ها به کار گرفته است.

زندگی علمی او

از آنچه در گذشته درباره مؤلف کتاب گفتیم، روشن شد که مشکلات سیاسی و اجتماعی، وقتی برای مطالعه، تألیف و تصنیف برایش باقی نگذارد. ولی زندگی پربرکت او، اوقاتی را برای مطالعه و تألیف برایش مهیا ساخته بود. وی هر روز چند ساعتی به کتابخانه خود می‌رفت، تمام مشکلات را فراموش می‌کرد و به مطالعه و تحقیق می‌پرداخت. در همین ساعات، کتاب‌های بسیاری را برای اهل تحقیق و مطالعه بر جای گذارده است.

اینجاست که باید گفت: این افراد چندشخصیتی هستند، آن‌چنان خود را ساخته‌اند که می‌توانند به هنگام توجه به کاری، سایر کارها را فراموش کنند و تنها آن را بنگرند. با نگاه به نوشته‌های عمیق و تحقیقی این بزرگ‌مرد، انسان گمان می‌کند که او جز مطالعه و تحقیق کار دیگری نداشته است، درحالی‌که او با مشکلات بسیاری دست به گریبان بوده است. به علاوه، او نویسنده‌ای نیست که دو یا سه کتاب نوشته باشد، او کتاب‌های بسیاری نگاشته است و این تعجبی دیگر بر تعجبات انسان می‌افزاید.

شگفتی دیگر این که درست در همان زمان که فصلی از کتاب او را می‌خوانی و عمق مبحث، تفکر و تحقیق او را مشاهده می‌کنی، درست در همان ساعت، یک فصل ادبی را می‌خوانی، یعنی معانی را در قالب الفاظی ریخته که گویا توجه او تنها به عبارات منسجم ادبی بوده است.

اکنون، به تعدادی از کتاب‌های آن بزرگ‌مرد اشاره می‌کنیم:

۱ - المراجعات؛ کتابی که ترجمه‌اش در پیش روی شماست و دلیلی برای تعریف آن یافت نمی‌شود؛ چرا که مطالعه آن، خود گواه عمق دقت، تبحر و اخلاص نویسنده است. این کتاب به زبان عربی، مکرر چاپ شده است و به زبان انگلیسی، اردو، و فارسی نیز ترجمه گردیده است.

۲ - الفصول المهمة فی تألیف الامة؛ از کتاب‌های پر ارزش اسلامی است، کتابی که در مسائل اختلافی شیعه و سنی بر اساس ادله عقل و استنتاج و تحلیل، نگاشته شده است. تألیف آن در سال ۱۳۲۷ ه. ق. پایتخت ایران، حجاب دوم آن، با اضافاتی، در سال ۱۳۴۷ انجام شده است.

۳ - اجوبة مسائل موسی جارالله؛ کتابی است که محتوی این کتاب چنان‌که از نامش پیداست، پاسخ به مسائلی است که موسی جارالله عنوان کرده است. موسی جارالله، بیست مسئله را از علمای شیعه، در کتابش پرسیده و به خیال خود، سؤالاتی است که پاسخ آنها برای دانشمندان شیعه بن‌بست ایجاد می‌کند. آن مسائل از این قبیل است:

شیعه بعضی از صحابه را کافر می‌داند؛ به آنها لعن می‌کند؛ قول به تحریف؛ تحریم جهاد؛ مسأله بداهت؛ متعه (ازدواج موقت) و امثال اینها.

لذا مرحوم شرف‌الدین، در کتاب خود، پاسخ‌های جالب، قانع‌کننده و منطقی به این سؤالات داده است که هیچ تردید و شکی باقی نمی‌گذارد.

این کتاب مقدمه‌ای دارد که در آن به اتحاد و اتفاق دعوت می‌کند و خاتمه‌ای که اثبات می‌کند؛ سؤال کننده از کتب شیعه آگاهی نداشته است.

این کتاب در سال ۱۳۵۵ ه. ق. در چاپخانه عرفان در صیداء به چاپ رسیده است.

- ۴ - الكلمة الغراء في تفضيل الزهراء اين كتاب به همراه چاپ دوم كتاب الفصول المهمة، به چاپ رسیده است.
- ۵ - المجالس الفاخرة في مآتم العترة الطاهرة؛ در اين كتاب، فلسفه عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسين عليه السلام و اسرار شهادت شهدای طف، به صورت دقيق بررسی شده است.
- ۶ - ابوهريرة؛ اين كتاب شرح حال ابوهريرة، روزگارش، روابطش، احاديثش و عنايت صحاح ششگانه به نقل احاديث او را تجزيه و تحليل کرده است. و اين، خود سبکی ابتکاری در شرح حال روايت به شمار می آيد.
- ۷ - بغية الراغبين؛ اين كتاب ويژه خانوادگی است که تاريخ شجرة شرف الدين و رجال و اساتيد آنها را مورد توجه قرار داده است. تاريخی است که در حقيقت، عصر هر يك از افراد اين شجره را بررسی کرده است.
- ۸ - فلسفة الميثاق والولاية: رساله ای است نمونه در موضوع خود.
- ۹ - ثبت الاثبات في سلسلة الروايات عن علي بن ابي طالب؛ شرح سلسله اساتيد خود را، از تمام مذاهب اسلامی تا زمان ائمه و پیامبر، آورده و كتاب های آنها را ياد آور شده است و...
- ۱۰ - مسائل خلافیه؛ اين كتاب درباره بعضی از مسائلي كه اختلافی مذاهب پنجگانه نوشته شده است.
- ۱۱ - رسالة حول الرؤية؛ که با فلسفه الميثاق والولاية چاپ شده است.
- ۱۲ - كتاب الى المجمع العلمي العربي بدمشق؛ در آن با ريس اين مجمع درباره نسبتی که به طایفه اماميه داده، بحث کرده است.
- ۱۳ - الاجتهاد مقابل النص.

كتاب های گرانبهای مفقود شده

مؤلف بزرگوار كتاب های دیگری نیز آماده چاپ داشته است که با حمله دشمن به منزل او و سوزاندن کتابخانه، از بين رفته است. وگرنه، اکنون در آسمان مطبوعات می درخشیدند. اين كتاب ها، چنان که حضرت مؤلف در حاشیه الكلمة الغراء نوشته اند، از اين قرار است:

- ۱- شرح التبصرة؛ این کتاب در باب فقه استدلالی بوده است. سه جلد آن، درباره طهارت، قضاوت و شهادات، و ارث، به اتمام رسیده بود.
- ۲- حاشیه استصحاب؛ بر بخش فوائد شیخ انصاری، در یک جلد نوشته شده است.
- ۳- رسالة فی منجزات المریض...؛
- ۴- سبیل المؤمنین؛ در مورد امامت سه جلد.
- ۵- النصوص الجلیه؛ این کتاب هم در موضوع امامت بوده است. در این کتاب، چهل حدیث نقل شده که تمام مسلمانان بر صحت آنها اجماع دارند. و چهل حدیث نیز از طریق شیعه آورده شده است. این احادیث همراه با تجزیه، تحلیل و فلسفه آنهاست.
- ۶- تنزیل الآیات الباهره؛ این کتاب نیز در مورد امامت و در یک جلد نوشته شده است. کتاب بر صد آیه مشتمل است که، به تصدیق کتاب‌های صحاح، درباره ائمه نازل شده‌اند.
- ۷- تحفة المحدثین فیما اخرج من السنة من المضعفین.
- ۸- تحفة الاصحاب فی حکم اهل البیت.
- ۹- الذریعه؛ ردّ بر بدیعه نبهانی.
- ۱۰- المجالس الفاخره؛ در چهار جلد، جلد اول شرح کتاب پیامبر ﷺ، جلد دوم شرح حال امیرمؤمنان و حضرت زهراء علیهما السلام، جلد سوم درباره امام حسین علیهما السلام، و جلد چهارم درباره ائمه دیگر علیهم السلام است.
- ۱۱- مؤلفوا الشیعة فی صدر الاسلام؛ بعضی از فصول این کتاب در مجله عرفان، جلد اول و دوم، منتشر شده است.
- ۱۲- بغیة الفائز فی نقل الجنائز؛ بیشتر آن را مجله عرفان منتشر کرده است.
- ۱۳- بغیة السائل عن لثم الایدی و الانامل؛ رساله‌ای است علمی، ادبی و فکاهی.
- ۱۴- زکات الاخلاق؛ بعضی از فصل‌های آن را مجله عرفان منتشر ساخته است.
- ۱۵- الفوائد و الفرائد؛ کتابی گران‌بها و پر ارزش.
- ۱۶- حاشیه‌ای بر صحیح بخاری.
- ۱۷- حاشیه‌ای بر صحیح مسلم.
- ۱۸- الاسالیب البدیعة فی رجحان ماتم الشیعه؛ بر اساس ادله عقلی و نقلی بنا شده و در

باب خود ابتکاری است.

از آنچه بر شمرديم، وسعت اطلاعات اين شخصيت عظيم را در ادبيات، منطق، تاريخ، حديث، تفسير، رجال، انساب، فقه، اصول و كلام دانستيد. و توجه نموديد كه، ضمن اين آگاهي ها، از ذوق و سليقه، بيان و قلم نيز كاملاً برخوردار بوده است. همين است كه او را به صورت يك شخصيت بزرگ در جهان اسلام جلوه داده است.

اخلاق او

از نظر اخلاق، بايد گفت: آنچه از محاسن اخلاق به شمار آيد، داشته و از رذائل اخلاقي به دور بوده است. مردی با سعه صدر، نرم خو، قوی القلب و پیر ابهت، آن گونه که ناخودآگاه انسان به احترامش وادار می شده، گرچه او را نمی شناخته است. درباره حق، سختگیر، از هر کس جز حق طرفداری نمی کرد، انسانی متواضع و بزرگوar بود. انصاف در وجودش حکم فرما بود، بین فقیر و غنی، خویشاوند و دور مساوات قایل بود، تنها حق را می دید و علاقه اش به کسی مانع اجرای حق نبود. به همين جهت، می گوئيم: او، در ورع، صفای نفس، پاک دلی، و حقگوئی، اسوه و پیشوا بود. و در عين پاک دلی، از کسی فریب نمی خورد. دوراندیش و تیزهوش بود، در عين قوت قلب، مهابت و شجاعت، از توجه به حرف های زیاد عوام الناس و گوش دادن به آنها خسته نمی شد و بر آنان عصبانی نمی شد.

مسافرت هایش

وی در سال ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ هـ ق - چنان که اشاره شد - به مصر رفت. اين مسافرت نتیجه پر ارزشی به بار آورد که همين کتاب است؛ زیرا در آنجا با علما و دانشمندان مصري، مخصوصاً شيخ سليم بشری مالکی، رئيس جامعه الازهر، به بحث نشست و اين کتاب ارزشمند را نتیجه داد.

در سال ۱۳۲۸ هـ ق به مدینه منوره مسافرت کرد و قبر نبی اکرم ﷺ و ائمه بقیع السلام را زیارت کرد.

در سال ۱۳۳۸ ه.ق، آن مهاجرت دینی سیاسی برایش پیش آمد که به دمشق، فلسطین و مصر رفت و در تمام این شهرها، فواید دینی و علمی برجای نهاد.

در سال ۱۳۴۰ ه.ق، از طریق دریا، به زیارت حج بیت‌الله تشرّف یافت و این در زمان حکومت ملک حسین بود. همراه او عده بسیاری از دوستانش عازم حج شدند. در آن سال، جمعیت انبوهی از مسلمانان به حج رفته بودند، از علما و دانشمندان بلاد اسلامی نیز بسیاری به این زیارت مشرف شده بودند اما حضرت مؤلف از همه بارزتر بود. و این سال، نخستین سالی بود که یک دانشمند شیعه اقامه نماز مسلمانان را در مسجدالحرام، به صورت علنی، عهده‌دار شده بود.

آری، مؤلف معظم، در مسجدالحرام، امام جماعت همه مسلمانان بود. به همین جهت، حج او مشهور آفاق شد و زبانزد همه مسلمانان گردید. ملک حسین از او سخت احترام نمود و با هم کعبه را پیش و پشت و دوشو دادند.

در اواخر سال ۱۳۵۵ ه.ق، زیارت ائمه علیهم‌السلام به عراق آمد و به طور شگفت‌انگیزی، از طرف عموم مردم، بزرگان و علمای آنجا، در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا، مورد استقبال قرار گرفت.

پس از عراق، به ایران مسافرت کرد و به زیارت حضرت رضا علیهم‌السلام مشرف گردید. در این سفر، از قم، تهران و دیگر شهرهای ایران دیدن کرد و مورد توجه و استقبال بزرگان و دانشمندان اسلامی، آن‌چنان که شخصیت عظیمش اقتضا داشت، قرار گرفت.

کارهای عمرانی او

او از بناهای مختلف مورد نیاز در جامعه اسلامی نیز غفلت نکرد. برای وعظ و ارشاد، حسینیه و مسجد ساخت، برای پسران و دختران، مدرسه بنا کرد، برای طلاب نیز مدرسه بنا کرد و مدارس دوره‌های بعد را تا مقطع دانشگاه نیز بنا نهاد؛ زیرا معتقد بود: «برای هدایت انسان‌ها، باید از همان جایی شروع کرد که گمراهی شروع شده است.»

به هر حال، در توصیف تلاش و کوشش‌های اسلامی این نویسنده بزرگ، هرچه بگوییم کم گفته‌ایم، چه بهتر که خواستاران شرح حال وی را به کتاب‌ها و نوشته‌هایی که،

به طور تفصیل، شرح حال او را آورده‌اند از جاع دهیم.
و درود بی شایبه خود را به روان پاک او و تمام علاقه‌مندان که از دنیا رفته‌اند و سلام
خویش را بر همه پویندگان راهش که حیات دارند و تلاش می‌کنند، نثار می‌کنیم.^۱

والسلام

* * *

www.ketab.ir

۱- این قسمت از شرح حال مؤلف، از مقدمه‌ای که مرتضی آل یاسین، در سال ۱۳۶۵ ه.ق، در زمان حیات مؤلف نوشته، اقتباس شده است. قطعاً مؤلف بزرگوار کارهای دیگری نیز انجام داده است که برای آگاهی از آنها باید به شرح حال آن مرحوم مراجعه شود. اخیراً کنگره‌ای برای آن بزرگوار در قم تشکیل گردید که بسیاری از نکات برجسته زندگی وی در آن بازگو شد و باید به اسناد آن مراجعه شود.